دوشنبه 8/11/1403-26رجب 1446- 27ژانویه 2025-درس 82 فقه رهبری سازمانی – شرائط و موانع – جهاد و ضد آن نکول –

مساله72: مدیران در مقام ادای وظیفه خطیر رهبری سازمان اثر بخش ملزم به عدم نکول از مدیریت جهادی هستند و سازمانها ی طالب تعالی هم باید فرهنگ سازمانی جهاد را اشاعه و مضار نکول را به کارکنان آموزش دهند .

***شرح مساله*** : معلوم شد که مدیریت جهادی فرهنگی مطلوب در سازمان است که پشتوانه رفتار مجاهدانه کارکنان و مدیران است مدیریتی مهار کننده بروکراسی افراطی که فی سبیل الله است و باید به نحو حق جهاده انجام پذیرد تا به انگیزش کار کنان پیرو مدیر راهبر بینجامد و فرآیند مدیریت رفتار سازمانی اوج گیرد . جهاد بهترین و قویترین موتور محرکه مدیریت است که بهبود مستمر را تضمین و تعالی سازمانی را تامین میکند در نوبت قبل به این نیروی موثر پرداختیم حکم تکلیفی الزام و حکم وضعی فی سبیل الله و بازدارند گی و پیش برندگی برای آن استنباط شد ضد آن نکول است که به معنای منع و گریز و شانه خالی کردن است به ویژه از جهاد تن ندادن به مجاهدت به بهانه های گوناگون در قرآن واژه تنکیل[[1]](#footnote-1) آمده است و نکال که به معنای عذاب سخت و دامنگیر است که نتیجه نکول از جهاد است درابعاد حقوقی هم نکول در عقود وسوگند در دادگاه [[2]](#footnote-2)و برات [[3]](#footnote-3)مطرح است و عهود، که به معنای ترک تعهدات است جنس نکول و نکال اگر سنجیده شود یعنی نکول در بطن خود نکال دارد و ان الله اشد باسا و اشد تنکیلا . نکالا من الله جزاء بما کانوا ... نکول از بنده گریز گر از جهاد و نکال به معنای عذاب الهی در پی این نکول . این همان صغار و قماءة است که امیر جهاد علی بین ابیطالب آن را برای تارکین جهاد ، وعید و تهدید قرار داده است و من ترکه رغبةعنه البسه الله ثوب الذل و دیث بالصغار و القماءة . منع لنصف و سیم الخسف[[4]](#footnote-4) و... که عواقب دردناک نکول است وطبق قواعد اصولیه، تهدید و وعید علامت حرمت نکول است به حرمت اکیده و کبیره . کمتر فعلی یا ترکی چنین مورد وعید قرآن و عترت قرار میگیرد .مدیر ناکل مدیری ناصالح است که مجموعه و متبوعه خود را به فتور و نفور میکشاند . چنین رفتاری ناکلانه اگر از مدیر سر بزند اطرافیان او تحت تاثیر قرار میگیرند و راندمان کارشان پایین می آید .به ضد جهاد که بابی از ابواب جنت است که خداوند برای بندگان ویژه خود آن را میگشاید. و لابد نکول گر از جهاد این باب برایش مسدود است . مدیریت اسلامی به معنای مدیریت جهادی است که با تلاش مستمر و تحمل مشقات و ابراز کامل طاقات امور سازمان را بهبود می بخشد . عقل حکم به لزوم جلب منافع محتمله جهاد و مضار و مفاسد محتمله نکول میکند که به هردو اشاره شد وشرع هم غالبا هماهنگ با حکم عقل است. و به آن حکم میکند ارشاد او مولویا .

الف –مضار نکول:

1. تقیید خدمت به ساعت کار و میزان دستمزد
2. اشاعه دیوانسالاری

1. توسعه فرهنگ رشوه و اختلاس و مفاسد اقتصادی و اداری
2. اشاعه منت در پی هر خدمت

ب – منافع جهاد :

1. افزایش ضریب خدمتگذاری
2. رواج خدمت بی منت
3. درخواست پاداش از خدا
4. حذف زمان خدمت
5. افزایش رضایت ارباب رجوع
6. حذف مکان خدمت

فتحصل : مدیران در مقام ادای وظیفه خطیر رهبری سازمان اثر بخش ملزم به عدم نکول از مدیریت جهادی هستند و سازمانها ی طالب تعالی هم باید فرهنگ سازمانی جهاد را اشاعه دهند و مضار نکول را به کارکنان آموزش دهند .

1. **البقرة : 66 فَجَعَلْناها نَكالاً لِما بَيْنَ يَدَيْها وَ ما خَلْفَها وَ مَوْعِظَةً لِلْمُتَّقينَ**

   **النساء : 84 فَقاتِلْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ لا تُكَلَّفُ إِلاَّ نَفْسَكَ وَ حَرِّضِ الْمُؤْمِنينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذينَ كَفَرُوا وَ اللَّهُ أَشَدُّ بَأْساً وَ أَشَدُّ تَنْكيلاً**

   **المائدة : 38 وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُما جَزاءً بِما كَسَبا نَكالاً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزيزٌ حَكيمٌ**

   **المزمل : 12 إِنَّ لَدَيْنا أَنْكالاً وَ جَحيماً**

   **النازعات : 25 فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكالَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولى‏**

   **ما اين كيفر را درس عبرتى براى مردم آن زمان و نسلهاى بعد از آنان، و پند و اندرزى براى پرهيزكاران قرار داديم. (66)**

   **در راه خدا پيكار كن! تنها مسئول وظيفه خود هستى! و مؤمنان را (بر اين كار،) تشويق نما! اميد است خداوند از قدرت كافران جلوگيرى كند (حتى اگر تنها خودت به ميدان بروى)! و خداوند قدرتش بيشتر، و مجازاتش دردناكتر است. (84)**

   **دست مرد دزد و زن دزد را، به كيفر عملى كه انجام داده‏اند، بعنوان يك مجازات الهى، قطع كنيد! و خداوند توانا و حكيم است. (38)**

   **كه نزد ما غل و زنجيرها و (آتش) دوزخ است، (12)**

   **از اين رو خداوند او را به عذاب آخرت و دنيا گرفتار ساخت! (25)** [↑](#footnote-ref-1)
2. # **نکول مدعی علیه**

   ***:******[قاعده النُّکول لیسَ حُجَّةً عَلی الناکِل](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D8%A7%D9%84%D9%86%D9%91%D9%8F%DA%A9%D9%88%D9%84_%D9%84%DB%8C%D8%B3%D9%8E_%D8%AD%D9%8F%D8%AC%D9%91%D9%8E%D8%A9%D9%8B_%D8%B9%D9%8E%D9%84%DB%8C_%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%A7%DA%A9%D9%90%D9%84" \o "قاعده النُّکول لیسَ حُجَّةً عَلی الناکِل" \t "_blank).*  
     
   در بعضی موارد****[منکر](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%DA%A9%D8%B1" \o "منکر" \t "_blank) ، پس از پیشنهاد****[سوگند](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%DA%AF%D9%86%D8%AF" \o "سوگند" \t "_blank) توسط رئیس****[دادگاه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AF%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87" \o "دادگاه" \t "_blank) ، صریحا اظهار می‌دارد، من نه سوگند می‌خورم و نه سوگند را به****[مدعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AF%D8%B9%DB%8C" \o "مدعی" \t "_blank) رد می‌کنم، یا سوگند او را هم نمی‌پذیرم.**

   **۱ - منظور از نکول منکر]**

   **منظور از****[نکول](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%DA%A9%D9%88%D9%84" \o "نکول" \t "_blank) حالتی است که منکر، پس از پیشنهاد سوگند توسط رئیس دادگاه، صریحا اظهار می‌دارد، من نه سوگند می‌خورم و نه سوگند را به مدعی رد می‌کنم، یا سوگند او را هم نمی‌پذیرم.**

   **[۲ - حکم نکول](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%DA%A9%D9%88%D9%84_%D9%85%D8%AF%D8%B9%DB%8C_%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87" \l "%D8%AD%DA%A9%D9%85%20%D9%86%DA%A9%D9%88%D9%84)در مورد حکم این حالت میان****[فقیهان](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%DB%8C%D9%87%D8%A7%D9%86" \o "فقیهان" \t "_blank) اختلاف نظر وجود دارد**

   **•**[**قواعد فقه،ج ۳،ص ۹۶،برگرفته از مقاله«نکول مدعی علیه»**](http://lib.eshia.ir/71421/3/96)[**ساعدی، محمد، (مدرس حوزه و پژوهشگر)**](http://mohammad-saedi45.andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.html)**،**[**موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی**](http://www.imam-khomeini.ir/) [↑](#footnote-ref-2)
3. **نکول برات، از اصطلاحات****[علم حقوق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85_%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82" \o "علم حقوق" \t "_blank) بوده و به معنای عدم قبول****[برات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%AA" \o "برات" \t "_blank) از سوی برات‌گیر است. برات عبارت است از سندی که طبق آن شخص الف از شخص ب تقاضا دارد که وجه مقرر را در تاریخ مقرر به شخص ج یا هر کسی که شخص ج، وجه را به او حواله کرد، پرداخت کند. نکول برات ممکن است واقعی و یا قانونی باشد؛ در نکول واقعی برات‌گیر اراده خود را مبنی بر نکول برات اعلام می‌کند و در نکول قانونی،****[قانون‌گذار](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86%E2%80%8C%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1" \o "قانون‌گذار (پیوندی وجود ندارد)) برات را نکول شده معرفی می‌نماید. نکول برات آثاری چون عدم مسئولیت****[برات‌گیر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%AA%E2%80%8C%DA%AF%DB%8C%D8%B1" \o "برات‌گیر (پیوندی وجود ندارد)) به پرداخت****[وجه برات](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%AC%D9%87_%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%AA" \o "وجه برات (پیوندی وجود ندارد))، مسئولیت****[برات‌کش](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%AA%E2%80%8C%DA%A9%D8%B4" \o "برات‌کش (پیوندی وجود ندارد)) به پرداخت وجه برات، ایجاد حق دارنده برای خواستن تضمینات و ایجاد امکان برای قبولی****[شخص ثالث](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%AE%D8%B5_%D8%AB%D8%A7%D9%84%D8%AB" \o "شخص ثالث" \t "_blank) را دارد.** [↑](#footnote-ref-3)
4. الغارات (ط - القديمة) / ج‏2 / 326 / غارة سفيان بن عوف الغامدي على الأنبار و لقيه أشرس بن حسان البكري و سعيد بن قيس ..... ص : 320

   الْمُرْسَلِينَ‏ وَ لَا شَرِيكَ لِلَّهِ الْأَحَدِ الْقَيُّومِ وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ فِي الْعَالَمِينَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي قَدْ عَاتَبْتُكُمْ فِي رُشْدِكُمْ حَتَّى سَئِمْتُ أَرْجَعْتُمُونِي بِالْهُزْءِ مِنْ قَوْلِكُمْ حَتَّى بَرِمْتُ [بِ] هُزْءٍ مِنَ الْقَوْلِ لَا يُعَادُ بِهِ وَ خَطَلٍ لَا يَعِزُّ أَهْلُهُ وَ لَوْ وَجَدْتُ بُدّاً مِنْ خِطَابِكُمْ وَ الْعِتَابِ إِلَيْكُمْ مَا فَعَلْتُ وَ هَذَا كِتَابِي يُقْرَأُ عَلَيْكُمْ فَرُدُّوا خَيْراً وَ افْعَلُوهُ وَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَفْعَلُوا فَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَ جُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ فِي اللَّهِ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ ذِلَّةٍ وَ شَمْلَةَ الْبَلَاءِ وَ ضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالشُّبُهَاتِ وَ دُيِّثَ‏ بِالصَّغَارِ وَ الْقَمَاءَةِ وَ أُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيمَ‏

   الغارات (ط - الحديثة) / ج‏2 / 475 / غارة سفيان بن عوف الغامدي على الأنبار و لقيه أشرس بن حسان البكري و سعيد بن قيس ..... ص : 464

   ذلّة و شمله البلاء و ضرب على قلبه بالشّبهات و ديّث‏ بالصّغار [و القماءة و أديل الحقّ منه بتضييع الجهاد] و سيم الخسف و منع النّصف، ألا و انّي قد دعوتكم الى جهاد عدوّكم ليلا و نهارا و سرّا و جهرا و قلت لكم: اغزوهم قبل أن يغزوكم، فو اللَّه ما غزي قوم قطّ في عقر دارهم الّا ذلّوا، فتواكلتم و تخاذلتم [و ثقل عليكم قولي فعصيتم و اتّخذتموه وراءكم ظهريّا] حتّى شنّت عليكم الغارات في بلادكم [و ملّكت عليكم الأوطان‏] و هذا أخو غامد قد وردت خيله الأنبار فقتل بها أشرس بن حسّان فأزال‏

   الغارات (ط - الحديثة) / ج‏2 / 475 / غارة سفيان بن عوف الغامدي على الأنبار و لقيه أشرس بن حسان البكري و سعيد بن قيس ..... ص : 464

   ذلّة و شمله البلاء و ضرب على قلبه بالشّبهات و ديّث‏ بالصّغار [و القماءة و أديل الحقّ منه بتضييع الجهاد] و سيم الخسف و منع النّصف، ألا و انّي قد دعوتكم الى جهاد عدوّكم ليلا و نهارا و سرّا و جهرا و قلت لكم: اغزوهم قبل أن يغزوكم، فو اللَّه ما غزي قوم قطّ في عقر دارهم الّا ذلّوا، فتواكلتم و تخاذلتم [و ثقل عليكم قولي فعصيتم و اتّخذتموه وراءكم ظهريّا] حتّى شنّت عليكم الغارات في بلادكم [و ملّكت عليكم الأوطان‏] و هذا أخو غامد قد وردت خيله الأنبار فقتل بها أشرس بن حسّان فأزال‏ [↑](#footnote-ref-4)